

بررسی و نقد جلوه‌های ظهور دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392

تاریخ دریافت: 1397/07/13

تاریخ پذیرش: 1397/09/15

نیکزاد عباسی،¹ امیر وطنی،² اکبر وروایی³

از صفحه 171 تا 190

چکیده

زمینه و هدف: موضوع این پژوهش، تشریح، تحلیل، نقد و ارزیابی مقررات قانونی ناظر بر حقوق کیفری اطفال و نوجوانان در امور شکلی و تعیین محاسن، معایب و نواقص موجود در سیاست کیفری تقنینی کشور در این خصوص است. هدف از انجام این پژوهش، ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت رفع معایب و نواقص موجود در سیاست کیفری تقنینی کشور در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان به منظور اتخاذ سیاست کیفری تقنینی علمی و عملی مناسب است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی مسئله محور می‌باشد که سیاست جنایی افتراقی ناظر بر دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار را با هدف ارتقای وضعیت موجود مورد بررسی قرار می‌دهد و در جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از روش اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده شده است و جهت دستیابی به پاسخ سؤالات پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی، اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: پیش‌بینی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، دادسرای ویژه نوجوانان، دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، شعب اختصاصی دادگاه تجدیدنظر و همچنین وضع قواعد خاص دادرسی در دادگاه اطفال و نوجوانان، از جمله جلوه‌های ظهور دادرسی افتراقی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 می‌باشد، به نحوی که می‌توان گفت، هم‌اکنون برای نخستین بار در کشور شاهد شکل‌گیری کلی نهادهای تخصصی دستگاه عدالت کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان هستیم. از سوی دیگر قواعد آیین دادرسی افتراقی ناظر بر رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان نیز شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری: در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، سیاست کیفری تقنینی کشور در جهت انطباق با اصول سیاست جنایی افتراقی ویژه اطفال و نوجوانان، در مقایسه با سایر قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد برداشتن گام‌های بلندی هستیم. با این حال معایب و نواقصی در هر یک از دو زمینه نهادهای تخصصی و آیین دادرسی ویژه رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان وجود دارد که ضروری است در اصلاحات بعدی قانون مرتفع گردد.

واژه‌های کلیدی: اطفال و نوجوانان، دادرسی افتراقی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، دادسرای ویژه نوجوانان، دادگاه اطفال و نوجوانان.

1 - دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، رایانامه: Nikzad.abbasi@yahoo.com

2 - عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی.

3 - استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین.

مقدمه

همواره بزهکاری در بین کودکان و نوجوانان وجود داشته، اما از اواخر قرن نوزدهم تخلف و قانون‌شکنی این گروه در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است. مفهوم «بزهکاری اطفال و نوجوانان» در اوایل قرن بیستم شکل گرفت که تا قبل از آن با متخلفین جوان و مجرمین بزرگسال رفتاری تقریباً یکسان می‌شد. با گذشت زمان و تحول فکر و اندیشه و تغییر در ساختار خانوادگی، همچنین تغییرات نظری در عرصه‌های جرم و بزهکاری، گام‌هایی در جهت کاهش مسئولیت کودکان در قوانین جزایی برداشته شد و با ایجاد دسته‌بندی مجزا برای بزهکاری، از بزهکاران در برابر تأثیر منفی مجرمین بزرگسال حمایت گردید. در همین راستا حقوقدانان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، درصدد یافتن نظام قضایی و تربیتی ویژه‌ای برای بزهکاری خردسال و نوجوان برآمده‌اند که نتیجه این تلاش‌ها، ارائه راه‌حل‌ها و الگوهای خاصی برای تربیت و جایگزینی مجازات است که منجر به تصویب مقررات خاصی در قوانین کشورها و قوانین بین‌المللی شده است (ون بورن، 1378: 27-19)

بیان مسأله

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه در آینده است. بنابراین مسایل آنان از جمله مسایلی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای مبذول داشت. بررسی ریشه‌ای مسایل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال، برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل شرطی ضروری است. از آن جا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس‌تر و به مراتب آسیب‌پذیرتری نسبت به سایرین می‌باشند، بنابراین از ضرورت اتخاذ سیاست جنایی افتراقی به منظور پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان و اصلاح، درمان و بازپروری اجتماعی این گروه‌های سنی جوان تأکید می‌شود که در این میان پیش‌بینی مقررات حقوق کیفری شکلی خاص جهت رسیدگی به بزه‌های ارتكابی آنها تحت عنوان «دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان» بخش مهمی از این سیاست جنایی افتراقی را تشکیل می‌دهد.

بر این اساس در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم تا سیاست کیفری تقنینی کشور در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد نقد و بررسی قرار گرفته و با ارزیابی علمی جنبه‌های مختلف سیاست کیفری تقنینی موجود کشور در حوزه حقوق کیفری شکلی اطفال و نوجوانان، معایب، نواقص و محاسن آن شناخته شده و در جهت اتخاذ سیاست کیفری تقنینی مطلوب در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان، راهکارهای مناسب پیشنهاد گردد. بر این اساس مهم‌ترین سؤال این پژوهش عبارت است از: محاسن، نواقص و معایب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 در قلمرو دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان چه می‌باشد؟

پیشینه

جدول 1- پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش

ردیف	محقق	عنوان پژوهش	نتایج
1	خواجانه‌نوری، یاسمن (1390)	«حقوق کیفری اطفال بزهکار و جهانی شدن»	حقوق کیفری اطفال در ایران در زمینه اصول و موازین حاکم بر رسیدگی کیفری با معیارهای جهانی هماهنگ است ولی در ایران سیاست‌گذاران حوزه جنایی در راستای رعایت الگوی حمایتی برای پاسخ به اطفال بزهکار هماهنگی لازم را نداشته‌اند.
2	کاروند، مهدی (1390)	«سیاست جنایی ایران و آمریکا در قبال حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده»	با توجه به این‌که قوانین ایران بیشتر در جهت حمایت بزه‌کار تدوین شده‌اند لذا کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در سیاست جنایی تقنینی ایران کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند
3	قربان‌نیا، محسن (1392)	«حمایت از اطفال در معرض خطر در سیاست جنایی ایران»	هنوز در سیاست جنایی ایران قوانین و مقررات نظام‌مند و یکپارچه در قالب یک عنوان ویژه مانند «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر» وجود نداشته است.
4	مینایی، الناز (1393)	«بررسی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392»	قوانین و مقررات قبلی در زمینه مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان حکایت از دیدگاه سنتی داشته و فاقد سیاست جنایی سنجیده و کارآمد بوده است.
5	میری، زکویه‌السادات (1394)	«تحولات دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392»	قوانین دادرسی در خصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان تا قبل از تصویب آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 سیر تکاملی و رو به پیشرفتی نداشته است. اما در قانون مذکور، در مسیر سیاست جنایی افتراقی گام‌های مثبتی برداشته شده است.
6	قدبایی شهری، الهام	«تحولات ناظر بر مسئولیت اطفال و نوجوانان»	انعطاف‌پذیری و قابلیت اصلاح رفتار اطفال و نوجوانان

ردیف	محقق	عنوان پژوهش	نتایج
	(1395)	کیفری صغار با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب 1392»	معارض با قانون مقتضی اجتناب از برچسب مجرمانه، اتخاذ تدابیر تأمینی و تربیتی و تعیین حداقل سن منطقی برای مسئولیت آنان است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 این نوآوری‌ها را واقع‌بینانه در مقایسه با قوانین سابق در سیاست کیفری خود اتخاذ نموده است.
7	قاضی میرسعید، سید سروش (1395)	«رویکرد سیاست تقنینی ایران با تأثیر از علم اداره زندان‌ها بر اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار»	سیاست تقنینی کشور با تصویب قانون مجازات اسلامی مزبور در اعمال واکنش در قبال بزهکاری اطفال تا حدودی از علم اداره زندان‌ها بهره جسته است و قانونگذار در وضع مواد راجع به مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان با در نظر گرفتن وضعیت سنی و شرایط اجتماعی آنها واکنش خاصی را پیش‌بینی کرده است.
8	حبیبی، رویا (1396)	«ارزیابی اثربخشی پاسخ‌های کیفری و ترمیمی به بزهکاری اطفال و نوجوانان»	به کارگیری سازوکارهای ترمیمی در مقایسه با سازوکارهای غیر ترمیمی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار با استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی موجب تقویت حس مسئولیت‌پذیری و شرمساری در این بزهکاران خواهد شد.
9	محمدی ایروانلو، سلطانه‌علی (1397)	«بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال در حقوق جزای ایران و جمهوری آذربایجان»	قانون مجازات اسلامی با تفکیک حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری در جرایم تعزیری، نظام مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان بزهکار را به رسمیت شناخته است.

مبانی نظری

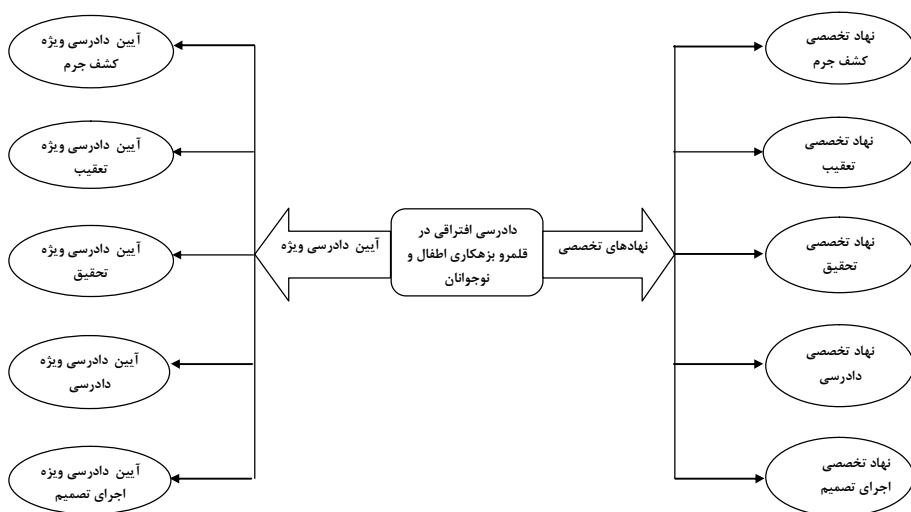
کودک در لغت عبارت است از هر پسر و دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد. دوران کودکی از دوران بارداری شروع و تا بلوغ ادامه دارد (نجفی‌ابرنادآبادی، 1377: 11) و در یک دوره اساسی برای تکوین و شکل‌گیری توأم شخصیت آدمی است. به عبارت دیگر کودک یا طفل در لغت به بچه انسان پیش از بلوغ یا انسان نابالغ گفته می‌شود (معظمی، 1388: 51) در اصطلاح روان‌شناسی، طفولیت در بردارنده دورانی است که از اوان خردسالی شروع و در زمانی که فرد واجد شرایط اجتماعی می‌شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می‌گیرد پایان می‌پذیرد (براهنی، 1356: 41).

طفل یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (عبادی، 1375: 5). البته در

حقوق داخلی کشورها سن معینی برای طفل در نظر گرفته می‌شود که نشان‌دهنده رشد جسمی و روحی است. از نظر معاهده حقوق کودک منظور از طفل فرد زیر سن 18 سال است.¹ بر این اساس گاهی مفهوم طفل دوره نوجوانی را نیز در بر می‌گیرد.

نوجوانی دوره‌ای است که محدوده آن بلوغ بوده و دارای سه مرحله می‌باشد: 1- دوره پیش بلوغ (مثلاً در پاره‌ای از کشورهای اروپایی غربی، 11 تا 12 سال نزد دختران و 13 تا 14 سال نزد پسران)؛ 2- دوره بلوغ (13 سال نزد دختران و 14 سال نزد پسران)؛ 3- دوره پس از بلوغ (در دختران تا 16-17 سالگی و در پسران تا 18 سالگی). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تعیین حدود سنی برای اطفال نیز به زمان بلوغ بستگی دارد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، 1377: 11 - 12).

مدل مفهومی پژوهش



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

1- Convention on the Rights of the child, Article(8)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی مسأله محور می‌باشد و از لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات جزء تحقیقات اسنادی - کتابخانه‌ای است که اطلاعات مورد نیاز تحقیق با استفاده از منابع علمی مدون مرتبط با موضوع تحقیق شامل کتاب، مقاله علمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله‌های دکتری، تحقیقات علمی، منابع اینترنتی مرتبط با موضوع تحقیق جمع‌آوری می‌شود و سپس به روش تحلیلی-توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

نهادهای ویژه دادرسی اطفال و نوجوانان

نهاد ویژه کشف جرم

حساسیت اطفال و نوجوانان از جنبه‌های مختلف روحی و روانی، جسمانی و فیزیولوژیکی، مصون نگه داشتن این گروه‌های سنی جوان از عواقب زیان‌بار برخورد با دستگاه عدالت کیفری به ویژه موضوع برچسب‌زنی که مانع بزرگی در مسیر تحقق هدف اصلاح و بازپروری اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم محسوب می‌شود، تشکیل نهاد ویژه کشف جرم تحت عنوان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را ضروری می‌نماید. در همین راستا، اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا بر ضرورت وجود آن تأکید نموده و مقررات خاصی را نیز در این زمینه تدوین نموده‌اند و به تبعیت از آن، بیشتر کشورهای پیشرفته نیز اقدام به تأسیس این نهاد نموده‌اند.

با وجود تأکید اسناد و مقررات بین‌المللی¹ مبنی بر ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، اما تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، زمینه قانونی برای تشکیل این نهاد تخصصی وجود نداشت، تا این که در نهایت با

1 - ضرورت تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان در اسناد بین‌المللی ناظر بر حقوق کودک به ویژه سند مهم حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) دیده شده است. ماده 12 حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال به لحاظ ظرافت خاص و حساسیت مسایل مربوط به مرحله مقدماتی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، تعقیب و تحقیقات ناظر به مرحله مزبور را توسط ضابطان قضایی ورزیده و آموزش دیده و متبخر و مسلط امکان‌پذیر دانسته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «افسران پلیس که غالباً یا منحصرأ به امور جوانان می‌پردازند یا عمدتاً به پیشگیری از جرم نوجوانان مشغولند، برای آنکه وظایف‌شان را به بهترین نحو انجام دهند باید به شیوه خاصی آموزده و ورزیده شوند. در شهرهای بزرگ باید واحدهای پلیس خاصی برای این منظور تأسیس شود.»

تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان برای نخستین بار در کشور جایگاه حقوقی خود را پیدا نمود.

طبق قانون 31 این قانون: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضاییه تهیه می‌شود.»

نهاد ویژه تعقیب

بررسی نظام حقوقی کشور نشان می‌دهد که تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، هیچ‌گاه نهاد تعقیب ویژه دادرسی اطفال و نوجوانان در مجموعه قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده بود. اما با تصویب این قانون، برای نخستین بار در نظام حقوقی کشور شاهد پیش‌بینی تشکیل شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب تحت عنوان «دادسرای ویژه نوجوانان» هستیم. به موجب ماده 285 قانون مذکور «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال به جزء جرایم موضوع مواد 306 و 340 این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.»

نکته 1: از آنجایی که مقرر گردیده¹ که دادسرای ویژه نوجوانان در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل شود، بنابراین اولاً؛ در سطح حوزه قضایی بخش که فاقد دادسرا می‌باشند ثانیاً؛ در سطح حوزه قضایی شهرستان که فاقد دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشند، دادسرای ویژه نوجوانان تشکیل نخواهد شد.

نکته 2: دادسرای ویژه نوجوانان در واقع شعبه یا بخشی تخصصی از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان محسوب می‌شود که انتظار می‌رود مقامات قضایی مستقر در

1 - تبصره ماده 298 قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محل تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده 315 این قانون در شعبه دادگاه کیفری 2 یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.»

این شعبه یا بخش تخصصی دانش، مهارت، تجربه و علاقه و انگیزه کافی برای انجام امور قضایی مربوط به اطفال و نوجوانان را داشته باشند تا بتوان به هدف اصلاح، درمان و بازپروری اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم نایل آمد.

نکته 3: دادپاران که جزء قضات دادسرا محسوب می‌شوند در تشکیلات دادسرای ویژه نوجوانان پیش‌بینی نشده است. علاوه بر این لازم به ذکر است که طبق ماده 409 قانون آیین دادرسی کیفری: «قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند.»

نهاد ویژه تحقیق

در کشور ما تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، نهاد تحقیق ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده بود. اما با تصویب قانون مذکور و طبق ماده 285 این قانون، در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود.

پیش‌بینی حضور یک یا چند بازپرس در تشکیلات دادسرای ویژه نوجوانان، دلالت بر تشکیل نهاد تحقیق ویژه نوجوانان دارد که برای نخستین بار در نظام تقنینی کشور پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده قانونی تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرایم موضوع مواد 1306¹ و 340² این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.

نکته - قانونگذار به طور عام برای انجام تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان تا 18 سال شمسی را مشمول صلاحیت نهاد تحقیق مستقر در دادسرای ویژه نوجوانان ندانسته بلکه به صراحت اعلام داشته که صرفاً تحقیقات مقدماتی جرایم ارتكابی نوجوانان بین گروه سنی 15 تا 18 سال توسط شعب بازپرسی

1 - ماده 306: به جرایم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

2 - ماده 340: جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

ویژه این دادرسی انجام می‌شود و البته حتی در خصوص جرایم ارتكابی گروه سنی مذکور استثناء وجود داشته و شامل جرایم موضوع مواد 306 و 340 قانون مذکور نبوده بلکه جرایم مذکور به طور مستقیم در دادگاه مطرح شده و در نتیجه تحقیقات مقدماتی این جرایم هر چند در خصوص اطفال و نوجوانان باشد، در خود دادگاه صورت می‌پذیرد.

نهاد ویژه دادرسی

ماده 294 قانون آیین دادرسی کیفری در مقام احصاء دادگاه‌های کیفری، صراحتاً دادگاه اطفال و نوجوانان را به عنوان یکی از دادگاه‌های کیفری در کنار و هم عرض دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب و دادگاه نظامی احصاء نموده است. بر این اساس این برداشت قوت می‌گیرد که قانونگذار دادگاه اطفال و نوجوانان را به عنوان یک دادگاه اختصاصی و نه یک دادگاه تخصصی محسوب نموده است.

نکته قابل توجه و تحول مهمی که در خصوص تشکیلات و صلاحیت نهاد اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در مقایسه با سایر قانونگذاری‌های پیشین رخ داده، توجه به پیش‌بینی نهاد دادرسی ویژه اطفال در دادگاه‌های عالی شامل دادگاه کیفری یک و دادگاه تجدید نظر استان می‌باشد. به این ترتیب نهاد دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در وضعیت نظام حقوقی کنونی کشور شامل 4 مرجع متفاوت یعنی 1) دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان دادگاهی که به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب (در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود) رسیدگی می‌نماید؛ 2) دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان که به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب (در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود) رسیدگی می‌نماید؛ 3) دادگاه تجدید نظر ویژه اطفال و نوجوانان که مرجع رسیدگی به درخواست تجدید نظر آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد؛ 4) دیوان عالی کشور که مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است. تشکیلات و صلاحیت هر یک از نهادهای مذکور به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه نکاتی در خصوص صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی اشخاص زیر 18 سال شمسی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

قواعد ویژه دادرسی اطفال و نوجوانان

آیین دادرسی ویژه کشف جرم

پلیس متخصص کودکان و نوجوانان بعد از برخورد یا دستگیری کودکان معارض با قانون، اول باید حقوق مربوط به آنها را به شیوه‌ای که کودکان آن را متوجه بشوند رعایت کند و ثانیاً راهبردهایی را که با پیمان‌نامه حقوق کودک سازگار باشند را به نحوی به کار گیرد که اولاً؛ در جهت منافع عالی کودکان باشد و ثانیاً؛ به بقای ایمنی و رشد کودکان کمک نماید (جهانی و پورشکیبایی، 1390: 58).

با وجود پیش‌بینی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 به شرح ماده 31 این قانون، تعیین وظایف و حدود اختیارات آن به تصویب لایحه‌ای واگذاشته شده که مقرر گردیده توسط رئیس قوه قضاییه تهیه شود. تا پیش از تصویب لایحه قانونی مذکور، صرفاً می‌توان به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 در خصوص اصول کلی ناظر بر حدود وظایف و اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان استناد نمود.

لازم به ذکر است که کلیه اقدامات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در مقام ضابط دادگستری می‌بایست مطابق اصول و قواعد عمومی و کلی از جمله مقررات مواد 28 تا 63 قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم مشهود باشد.

بدیهی است پس از ارجاع امر به مرجع قضایی ذیصلاح، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان صرفاً در محدوده وظایف محوله و اختیارات اعطایی از سوی مرجع قضایی ذیصلاح اقدامات خواسته شده راجع به اطفال و نوجوانان را انجام می‌دهند.

آیین دادرسی ویژه تعقیب

وظایف و اختیارات نهاد تعقیب به طور کلی در خصوص فرایند رسیدگی به جرم را در سه مرحله مختلف مورد بررسی قرار داد که عبارتند از: 1- مرحله پیش از دادرسی در دادگاه؛ 2- مرحله دادرسی در دادگاه؛ 3- مرحله پس از دادرسی در دادگاه. بر اساس تقسیم‌بندی مذکور می‌توان وظایف و اختیارات دادرسی ویژه نوجوانان به عنوان

دادسرای صلاحیت‌دار جهت ورود به پرونده متهمین دارای سن 15 سال شمسی تا 18 سال شمسی را بر همین اساس تفکیک نمود.

الف) وظایف ناظر بر پیش از مرحله دادرسی

- ارجاع پرونده به بازپرس ویژه نوجوانان:

در مرحله پیش از دادرسی در دادگاه یکی از وظایف نهاد تعقیب، ارجاع پرونده به نهاد تحقیق جهت انجام تحقیقات مقدماتی است که در این خصوص با توجه به اینکه معاون دادستان به عنوان سرپرست دادسرای ویژه نوجوانان می‌باشد، بنابراین وظیفه معاون دادستان به عنوان سرپرست دادسرای ویژه نوجوانان، ارجاع پرونده به بازپرس جهت انجام تحقیقات مقدماتی راجع به پرونده می‌باشد که در صورت تعدد شعب بازپرسی، قاعدتاً ارجاع به یکی از شعب مذکور صورت می‌پذیرد.

- نظارت بر تحقیقات مقدماتی:

علاوه بر ارجاع امر تحقیقات به نهاد تحقیق، یکی دیگر از وظایف سرپرست دادسرای ویژه نوجوانان، مربوط به نظارت بر فرایند تحقیقات مقدماتی ارجاع شده به شعبه بازپرسی ویژه نوجوانان و همچنین اظهار نظر در خصوص قرارهای نهایی صادره از سوی این شعبه می‌باشد.

پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی در صورت احراز مجرمیت از سوی بازپرس ویژه نوجوانان، پرونده برای اظهار نظر سرپرست دادسرای ویژه نوجوانان نزد وی ارسال می‌شود که در صورت موافقت با قرار جلب به دادرسی، کیفرخواست صادر و به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال می‌گردد. اما در صورتی که قرار نهایی بازپرس ویژه نوجوانان به صورت قرار منع یا موقوفی تعقیب باشد، نوجوان بلافاصله آزاد می‌شود. البته این قرارها قابل اعتراض در دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد.

ب) وظایف ناظر بر جلسه دادرسی

در خصوص فرایند دادرسی کیفری ناظر بر بزرگسالان، یکی از وظایف دادستان و نهاد تعقیب، حضور در جلسه دادرسی به عنوان مدعی‌العموم و تلاش در جهت حفظ منافع جامعه در دادرسی‌های کیفری است که با قرائت کیفرخواست شروع و با ترافع در

جریان دادرسی تداوم پیدا می‌کند که همین قاعده در خصوص دادرسی اطفال و نوجوانان مصداق پیدا می‌کند. به این ترتیب که در خصوص دادرسی اطفال و نوجوانان نیز نماینده دادسرا در جلسه دادرسی در دادگاه حضور یافته و نسبت به قرائت کیفرخواست اقدام نموده و متعاقباً در راستای حفظ حقوق جامعه و البته توجه به منافع عالی کودک، وظایفی که به موجب قانون در این خصوص برای دادستان تعیین گردیده را انجام می‌دهد.

پ) وظایف ناظر بر پس از صدور رأی

در خصوص بزرگسالان، یکی از وظایف دادستان به عنوان مدعی‌العموم و حافظ منافع جامعه اعتراض به آراء صادره از محاکم است که به نظر دادستان مخالف قوانین و مقررات بوده و در نتیجه حقوق جامعه به خوبی در این آراء دیده نشده است. در همین راستا مطابق ماده 447 قانون آیین دادرسی کیفری به دادستان این اختیار داده شده که هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را مخالف قانون بداند، نسبت به آراء و تصمیمات مذکور درخواست تجدید نظر نماید.

آیین دادرسی ویژه تحقیق

الف) انجام تحقیقات مقدماتی:

«در دادرسی اطفال و جوانان بزهکار و در حالت خطرناک تحقیقات مقدماتی ساده و سریع انجام می‌گیرد زیرا هدف از کشف، تعقیب، تحقیق و دادرسی اصلاح و تربیت و یا درمان برای عادت دادن به زندگی عادی اجتماعی است. طبق بند 2 ماده 11 مقررات بیجینک، پلیس و دادرس‌ها و سایر سازمان‌هایی که مأمور تعقیب اطفال و جوانان هستند بدون رعایت تشریفات تعقیب در مورد بزرگسالان که در قوانین آیین دادرسی کیفری مقرر گردیده در اسرع وقت با توجه به مقررات بیجینک اقدام نمایند» (دانش، 1386: 70) طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، تحقیقات مقدماتی اطفال و نوجوانان در صورتی که زیر 15 سال باشند، در دادگاه صورت می‌پذیرد و در صورتی که سن فرد 15 تا 18 سال باشد، توسط بازپرس انجام می‌گیرد.

ب) صدور قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی

یکی از اقداماتی که می‌بایست در مرحله تحقیقات مقدماتی راجع به اطفال و نوجوانان صورت پذیرد، صدور قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی به منظور حصول اطمینان از دسترسی به متهم در طول فرایند دادرسی و همچنین اجرای حکم می‌باشد که این اقدامات حسب مورد در خصوص نوجوانان 15 تا 18 سال از سوی بازپرس دادسرای ویژه نوجوانان و در خصوص سایر اطفال و نوجوانان یعنی اشخاص زیر 15 سال توسط دادگاه اطفال انجام می‌شود.

با توجه به ویژگی‌های خاص اطفال و نوجوانان و ضرورت خودداری از توقیف و سلب آزادی از آنان به ویژه در مراحل فرایند دادرسی کیفری و در راستای انطباق دادرسی افتراقی ویژه اطفال و نوجوانان ملاحظه می‌شود که در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات خاصی راجع به صدور قرارهای تأمین کیفری با رویکرد تسهیل و تخفیفات ویژه نسبت به این گروه سنی مهم و حساس وضع شده است. در این زمینه ماده 287 قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

«در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرایم پیش‌بینی شده در ماده (237) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (238) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند. تبصره - قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت است.»

همچنین مطابق ماده 568 قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرارهای نظارت قضایی نیز در خصوص اطفال و نوجوانان مطابق ماده 247 این قانون بلامانع است. مطابق ماده

247 قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر نماید: الف) معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس؛ ب) منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛ پ) منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی؛ ت) ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز؛ ث) ممنوعیت خروج از کشور و

پ) دستور تشکیل پرونده شخصیت

یکی از مهم‌ترین مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 در جهت تحقق هدف اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم، به ویژه در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان تأکید بر لزوم تشکیل پرونده شخصیت می‌باشد. ماده 286 قانون مذکور در این باره مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در ماده 203¹ این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.»

آیین دادرسی ویژه دادگاه اطفال و نوجوانان

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مربوط به دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان مربوط به تشریفات ویژه دادرسی در دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد که به همین منظور در قانون آیین دادرسی کیفری، تشریفات و قواعد خاصی به شرح مواد 412 تا 417 این قانون تدوین شده است.

مطابق ماده 412 قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه اطفال پس از تعیین وقت جلسه رسیدگی مراتب را به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند که در مقایسه با دادرسی بزرگسالان، تفاوت در ابلاغ به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌باشد.

1 - ماده 203: در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجتعلیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛ ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی.

مطابق تبصره 2 ماده 412 امکان برگزاری جلسه دادگاه اطفال و نوجوانان بدون نیاز به تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ تحت شرایط خاصی وجود دارد و این در صورتی است که اولاً؛ جرم اتهامی، جزء جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و یا جرایم تعزیری فاقد مجازات حبس باشد، ثانیاً؛ متهم و والدین یا سرپرست قانونی و همچنین وکیل (در صورت داشتن وکیل) حاضر باشد، ثالثاً؛ افراد مذکور از دادگاه اطفال تقاضای رسیدگی نمایند، رابعاً؛ موجبات رسیدگی فراهم بوده و منع یا عذر خاصی برای تشکیل جلسه وجود نداشته باشد.

اقتضای آیین دادرسی افتراقی ویژه اطفال و نوجوانان آن است که اصولاً رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان به صورت غیرعلنی بوده و به جز افراد خاص، عموم مردم و رسانه‌ها اجازه حضور در جلسه دادرسی و انتشار جریان دادرسی را نداشته باشند. بر این اساس ماده 413 قانون آیین دادرسی کیفری افرادی را که حق حضور در جلسات رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان را دارند به شرح ذیل احصاء نموده است: (1) والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان؛ (2) وکیل مدافع در صورت انتخاب از سوی متهم یا تعیین از سوی دادگاه؛ (3) شاکی خصوصی (وکیل وی در صورت داشتن وکیل)؛ (4) اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده مانند: کارشناسان، کارشناس ورزش، معلم، ناظم، مدیر مدرسه و ...؛ (5) شهود و مطلعان.

در خصوص حضور وکیل جهت دفاع از اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 به قواعد کلی ناظر بر حضور وکیل در دادرسی‌های کیفری اکتفا نشده بلکه به منظور حمایت از این گروه سنی مهم و حساس، تضمینات بیشتری راجع به امکان حضور وکیل در دادگاه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نموده است به نحوی که الزامی بودن حضور وکیل در جلسات دادرسی و دادگاه اطفال و نوجوانان، در مقایسه با جلسات دادرسی و دادگاه بزرگسالان قلمرو گسترده‌تری یافته است.

ماده 417 قانون آیین دادرسی کیفری بر ضرورت ابلاغ آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان به اشخاص ذیل تأکید می‌نماید: (1) شاکی خصوصی؛ (2) متهم و محکوم علیه؛ (3) ولی یا سرپرست قانونی محکوم علیه؛ (4) وکیل طفل و نوجوان (در صورت داشتن وکیل).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش در زمینه رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری به دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار، در قالب سه محور محاسن، نواقص و معایب به شرح زیر می‌باشد:

1- نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در سیر تحول نظام حقوقی کشور قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، در مقایسه با سایر قوانین، قانونگذار نسبت به لزوم آیین دادرسی کیفری افتراقی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار توجه خاص نموده است. این توجه در قلمرو نهادهای دادرسی افتراقی کاملاً مشهود بوده و شامل: 1- پیش‌بینی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به عنوان نهاد تخصصی کشف جرم؛ 2- پیش‌بینی تشکیل دادرسی ویژه نوجوانان؛ 3- پیش‌بینی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد. در این میان صرفاً دادگاه اطفال و نوجوانان دارای سابقه قانونگذاری در کشور بوده و سایر نهادهای تخصصی پیش‌بینی شده از نوآوری‌های این قانون می‌باشد.

2- توجه به لزوم تشکیل نهاد دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در دادگاه‌های عالی شامل دادگاه کیفری یک و دادگاه تجدید نظر استان یکی دیگر از نکات مثبت این قانون می‌باشد که برای نخستین بار در نظام حقوقی کشور در قلمرو دادرسی اطفال و نوجوانان رخ داده است.

3- الزام به تشکیل پرونده شخصیت متهمین مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار، با توجه به نقش مهمی که شناخت خصوصیات و ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی اطفال و نوجوانان در اتخاذ تصمیم مناسب به منظور اصلاح، درمان و بازپروری اجتماعی آنها ایفا می‌نماید، از جمله نکات مثبت این قانون محسوب می‌شود.

4- در قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تأکید شده و جزئیات مربوط به صلاحیت، تشکیلات، وظایف، اختیارات و مسئولیت این پلیس تخصصی، منوط به تصویب لایحه‌ای گردیده که قرار است توسط رییس قوه قضائیه تهیه شود، درحالی که اصول و منطق قانونگذاری اقتضا

دارد تا در قانون آیین دادرسی کیفری کلیات مربوط به صلاحیت، تشکیلات، وظایف و اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تدوین می‌گردید و جزئیات امر به تصویب لایحه از سوی قوه قضائیه محول می‌شد.

5- یکی از جلوه‌های تحقق آیین دادرسی کیفری افتراقی تشکیل دادرسی ویژه نوجوانان منوط به تشکیل دادرسی عمومی و انقلاب است و از طرفی طبق قانون دادرسی عمومی و انقلاب در سطح شهرستان و در معیت دادگاه‌های کیفری دو تشکیل می‌شود، بنابراین در حوزه‌های قضایی بخش و همچنین شهرستان‌های فاقد دادگاه کیفری، دادرسی عمومی و انقلاب و در نتیجه دادرسی ویژه نوجوانان تشکیل نخواهد شد.

6- در این قانون با وجود پیش‌بینی تشکیل شعب تخصصی از دادگاه تجدیدنظر برای تجدیدنظر خواهی نسبت به آرای مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار، اما پیش‌بینی لازم در خصوص تشکیل شعب تخصصی دیوان عالی کشور به منظور فرجام خواهی از آرای مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار پیش‌بینی نشده است.

پیشنهادها

- با وجود تدوین و ارائه لایحه‌ی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان از سوی قوه قضائیه اما تاکنون این لایحه مربوط به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است که پیشنهاد می‌شود هرچه زودتر مجلس شورای اسلامی نسبت به تصویب لایحه مذکور اقدام نماید.

- به منظور تحقق هدف اصلاح، درمان و بازپروری اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم، ضرورت دارد تا مقررات خاص در زمینه لزوم بکارگیری کارکنان نهادهای دستگاه عدالت کیفری در بخش‌های ویژه اطفال و نوجوانان وضع گردد، به نحوی که داشتن دانش، مهارت، تجربه، علاقه و انگیزه کافی به عنوان پیش شرط‌های ضروری بکارگیری افراد در هر یک از نهادهای ویژه دادرسی اطفال و نوجوانان باشد.

- اصلاح قانون و پیش‌بینی اختصاص شعب تخصصی از دیوان عالی کشور جهت فرجام‌خواهی از آرای مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار می‌تواند گام مؤثری در جهت تحقق اهداف دادرسی افتراقی باشد.
- با توجه به وجود تعارض مفهومی بین ماده 42 و تبصره‌های ماده 285، ضرورت دارد تا در اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به رفع تعارض مذکور اقدام شود.
- با توجه به اهمیت تشکیل پرونده شخصیت در اتخاذ تصمیم مناسب نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار با هدف اصلاح و بازپروری اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم و اینکه هم اینک به شیوه مناسب نسبت به تشکیل پرونده شخصیت در مراجع قضایی اقدام صورت نپذیرفته، ضرورت دارد تا تمهیدات لازم جهت تشکیل پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان بزهکار در مراجع قضایی اندیشیده شود.
- با توجه به اختلاف پیش آمده در مورد تعداد مشاوران ضروری جهت تشکیل دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، ضرورت دارد تا در اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، در این خصوص قانونگذار به صراحت وضعیت را مشخص نماید.

منابع

- براهنی، محمدتقی (1356). لغت‌نامه روان‌شناسی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- جهانی، بهزاد و پورشکیبایی، پریش (1390). جایگاه پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی کیفری. دوره دوم، سال پنجم، شماره 17، صص 44-62.
- خواجه نوری، یاسمن (1390). حقوق کیفری اطفال بزهکار و جهانی شدن. رساله دکتری حقوق کیفری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دالوندی، زهرا (1388). نقش پلیس در فرایند دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دانش، تاج زمان (1386). دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی. چاپ چهارم، نشر میزان.
- عبادی، شیرین (1375). حقوق کودک - نگاهی به مسایل حقوقی کودکان در ایران. تهران: انتشارات کانون.
- معظمی، شهلا (1388). بزهکاری کودکان و نوجوانان. مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (1377). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- وروایی، اکبر و کشفی، سید سعید (1388). رویکرد تطبیقی به ساختار، صلاحیت و برنامه‌های پلیس ویژه اطفال و نوجوانان. مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- یاراحمدی، حسین (1396). سیاست جنایی پلیس ایران در قبال اطفال و نوجوانان: چالش‌ها و راهکارها. رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.

